



مهدی عزیزان

#### مقدمه

حاصل قسمت اول مقاله، این شد که بر اساس رویکرد عقلی، اکثر مردم در جهان آخرت با اختلاف مراتب و درجات، از سعادت و نجات برخوردار خواهند بود و عده معدودی از آنها دچار شقاوت و عذاب ابدی خواهند شد. حال، باید دید آیا این نتیجه‌گیری عقلی، مورد تأیید متون نقلی نیز هست یا خیر؟

#### ب. رویکرد نقلی

با الهام از روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان انسانهای محشور در صحنه قیامت را به سه دسته کلی:

مؤمنان، کافران و گمراهان تقسیم نمود.<sup>۱</sup>

مؤمنان برخوردار از نعمتهای بهشت، کافران مشمول عذاب جهنم و گمراهان دارای حالات و درجات متفاوت‌اند.

محور عمده بحث در این مقاله، تعیین وضعیت گمراهان است که آیا این عده اهل نجات هستند یا اهل شقاوت و دوزخ؟

روایات دیگری، گروه گمراهان

۱. ر.ک: اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دار شعب، چهارم، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۳۸

وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا \* فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا عَفُورًا؛ «کسانی که فرشتگان [روح] آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: شما در چه جایی بودید؟ [و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟] گفتند: ما در سرزمین خود مستضعف بودیم. آنها (فرشتگان) گفتند: مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ پس آنها [عذری ندارند و] جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند، مگر مردان و زنان و کودکانی که [حقیقتاً] مستضعف‌اند و نه چاره‌ای دارند و نه راهی [برای نجات از آن محیط آلوده] می‌یابند. امید است خداوند آنها را مورد عفو قرار دهد و خداوند عفو‌کننده و آمرزنده است.»

مفسران در شأن نزول این آیه آورده‌اند: «گروهی در مکه به اسلام گرویدند و اظهار مسلمانی کردند. هنگامی که پیامبر ﷺ و اصحاب

را به چهار دسته: مستضعفان، اهل اعراف، مؤمنان گناهکار که: «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا»؛<sup>۱</sup> «کار خوب و بد را به هم آمیختند.» و وانهاد به امر خداوند که: «مُرَجَّوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> «واگذارشدگان به فرمان خدا.» تقسیم نموده‌اند.<sup>۳</sup> در این مقاله برای پرهیز از طولانی شدن سخن، تنها به بررسی وضعیت مستضعفان می‌پردازیم و رسیدگی به وضعیت سایر گمراهان را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم.

#### مستضعفان

استضعاف از ماده ضعف و از باب استفعال به معنای ضعیف یافتن کسی است. خاستگاه بحث مستضعف، قرآن کریم است که در آیات متعددی از گروهی به عنوان مستضعفان نام می‌برد. آیات ۹۷ تا ۹۹ سوره نساء از آن جمله است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا \* إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَيْسْتَطِيعُونَ حَبْلَةً

۱. توبه / ۱۰۲.

۲. همان / ۱۰۶.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۸.

خاصی مانند «باب المستضعف»<sup>۲</sup> و «باب المستضعفین و مرجون لامر الله»<sup>۳</sup> ساماندهی شده است.

به دنبال طرح این بحث در آیات و روایات، در کتب تفسیری و کلامی نیز مباحث مبسوطی پیرامون مستضعفان مطرح شده است.<sup>۴</sup>

اکنون سؤال این است که آیا مستضعفان در زمره مؤمنانند یا کافران و یا گروهی غیر از این دو؟ برخی روایات حاکی از آن است که گروهی از مسلمانان مردم را به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌کردند که لازمه سخن آنان، گنجیده شدن مستضعفان در شمار کافران است. زراره یکی از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام در گفتگویی با آن حضرت با استناد به آیه «فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ

ایشان به مدینه هجرت کردند، آنان در مکه باقی ماندند و تحت تأثیر پدران خود در مکه واقع شده [به اجبار مشرکین و همراه با آنان] در جنگ بدر شرکت کردند و تمامی [به دست مسلمانان] کشته شدند. گفته می‌شود: آنان ۵ نفر بودند»<sup>۱</sup>

بر اساس این آیه، کسانی که در مکه ماندند و با مشرکین همراه شدند، افراد ظالمی بودند که به بهانه استضعاف، گناه خود را توجیه می‌کردند. آنها می‌توانستند با مهاجرت از مکه به مدینه از وضعیت شرک آلود خلاصی یابند. در پایان آیه از مستضعفان واقعی یاد شده است که از گروه اول استثنا شده‌اند و واقعاً مستضعف شمرده می‌شوند.

این آیات موضوع بحثهای فراوانی واقع شده‌اند. مستضعفان واقعی چه کسانی‌اند؟ ویژگیهای آنان چیست؟ و وضعیت آنان در برزخ و قیامت چگونه است؟

در تبیین این آیات و آیات مشابه، روایات فراوانی وارد شده است. در کتب روایی، این آیات در ابواب

۱. الثبیان، شیخ طوسی، بیروت، دار احیاء التراث، ج ۳، ص ۳۰۲.  
 ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۴.  
 ۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۹، ص ۱۵۷.  
 ۴. المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۵، ص ۵۱، کلام فی المستضعف.

عنوان «مستضعفان»، مُرَجُونَ لا مرالله، کسانی که عمل نیک و بد را به هم آمیخته‌اند و اصحاب اعراف وجود دارند که این چهار دسته از نظر وضعیت اخروی، دارای منزلتی بین ایمان و کفر هستند.<sup>۹</sup>

بر اساس روایات دیگری، این گروه‌های چهار گانه، تحت عنوان کلی، «ضال» (گمراه) جای گرفته‌اند.<sup>۱۰</sup>

حاصل آنکه به جای تقسیم دو گانه «مؤمن و کافر»، تقسیم سه گانه «مؤمن، کافر و ضال» را باید قرار داد.

۱. تغابن / ۲: «گروهی از شما کافرید و گروهی مؤمن.»

۲. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۶۷.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۴. نساء / ۹۸: «مگر مردان و زنان و کودکانی که مستضعفانند و نه چاره‌ای دارند و نه راهی چیرای نجات از آن محیط آلوده می‌یابند.»

۵. توبه / ۱۰۶: «و اگذار شدگان به فرمان خدا.»

۶. همان / ۱۰۲: «کار خوب و بد را به هم آمیختند.»

۷. همان / ۶۰: «کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود.»

۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۸۳.

۹. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۶۶.

۱۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۱.

مؤمن<sup>۱</sup> از این عقیده دفاع می‌کند.<sup>۲</sup> در جای دیگر زراره پا را فراتر نهاده و مردم را به دو گروه «موافق ما و مخالف ما» تقسیم می‌کند و معیار حق را عقاید همفکران خود می‌داند.<sup>۳</sup> در این روایت نیز که حاکی از گفتگوی زراره با امام صادق علیه السلام است، بحث آن چنان بالا می‌گیرد که صدای آنان از پشت در شنیده می‌شود.

در هر دو نمونه فوق، امام صادق علیه السلام نظر زراره را نپذیرفته، خطاب به او می‌فرماید: ای زراره! کلام خداوند [در قرآن] راست‌تر از کلام توست. [در منظومه عقاید تو] کجایند کسانی که خداوند در مورد آنان فرموده است: ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَيْسْتَ تَطْعُونَ حِجْلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾<sup>۴</sup>؟ کجایند ﴿مُرَجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ﴾؟<sup>۵</sup> کجایند آنان که ﴿خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا﴾؟<sup>۶</sup> کجایند «اصحاب اعراف»؟ و کجایند ﴿الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ﴾؟<sup>۷</sup> و<sup>۸</sup>

بر اساس این روایات، مشخص می‌شود که علاوه بر دو گروه «مؤمن و کافر» گروه‌های چهارگانه دیگری با

علامه شعرانی در توضیح این روایات و چرایی عقاید افرادی مانند زراره، معتقد است که این عده بر اساس قواعد فقهی به درستی اعتقاد دارند کسی که بدنش پاک، ذبیحه‌اش حلال و ازدواج با او جایز است، او مسلمان است و کسی که بدنش نجس، ذبیحه‌اش حرام و ازدواج با او غیر جایز است، کافر شمرده می‌شود؛ چرا که معیار احکام و قواعد فقهی، اسلام ظاهری افراد است. اما امام صادق علیه السلام این عده را متوجه ساختند که احکام اخروی تابع احکام دنیوی نیست و چنین نیست که هر مسلمان ظاهری در آخرت نیز اهل نجات و بهشت باشد و هر کافر ظاهری، اهل جهنم، از این رو، ملازمه‌ای بین احکام فقهی و کلامی وجود ندارد.

البته اصرار زراره بر عقیده خود در مقابل نظر امام صادق علیه السلام، نه از روی انکار و لجاج، بلکه از روی استیضاح و درخواست توضیح بوده است.<sup>۱</sup>

حال که از رابطه بین مستضعفان، مؤمنان و کافران آگاه شدیم، جا دارد

که با تعریف و ویژگیهای مستضعفان بیشتر آشنا شویم.

شهید ثانی معتقد است مستضعف کسی است که از روی ناآگاهی به حق اعتقاد ندارد و با پیروان حق نیز معاند و دشمن نیست؛ نه از ائمه معصومین علیهم السلام پیروی می‌کند و نه از غیر آنان. اما کسی که به حق معتقد است و دلیل تفصیلی آن را نمی‌داند، او مستضعف نیست، بلکه از جمله مؤمنان است.<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه ۹۸ سوره نساء در تعریف مستضعف بر این اعتقاد است که کسی که در راه فهم و معارف الهی و عمل به آن، نسبت به دفع مشکلات فکری و عملی از خود ناتوان است، مستضعف شمرده می‌شود. بر این اساس، کسی که در سرزمینی ساکن است که امکان فراگیری معارف دینی در آنجا نیست یا به دلیل شدت عمل

۱. شرح اصول کافی، ملا صالح مازندرانی و

علامه شعرانی، ج ۱۰، صص ۹۸-۹۹.

۲. مسالک الافهام، شهید ثانی، قم، مؤسسه

معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۸.

حاکمان ظالم آن دیار و ممکن نبودن هجرت از آنجا، امکان عمل به معارف دینی برایش وجود ندارد، یا فردی بدون عناد با حق و استکبار ورزیدن، به دلیل عوامل مختلف غیر اختیاری حقیقت بر او پوشیده مانده و فکر و ذهن او به حقایق دینی راه نیافته است، اینان مصادیق مختلف مستضعف شمرده می‌شوند.

آیات دیگری مانند: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾<sup>۱</sup> «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. [انسان] هر کار [نیکی] را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار [بدی] کند، به زیان خود کرده است.»  
بیانگر همین نکته است.

بر اساس مجموعه این آیات ضابطه‌ای کلی در تشخیص افراد معذور از غیر معذور به دست می‌آید و آن اینکه: «اگر انجام یا ترک فعلی مستند به اکتساب و اختیار انسان نباشد، آن فرد معذور است.»

از این رو، اگر فردی به تمام معارف دینی یا بخشی از آن آگاه

نیست و این ناآگاهی در اثر سوء اختیار و کوتاهی اوست، این ترک فعل و ناآگاهی مستند به او می‌باشد و معصیت به حساب می‌آید؛ اما اگر این ناآگاهی، نه در اثر تقصیر و کوتاهی، بلکه در اثر عوامل غیر اختیاری رخ داده باشد، این ناآگاهی مستند به او نخواهد بود و چنین فردی گناهکار، مخالف عمدی حقیقت، مستکبر و منکر حقیقت شمرده نمی‌شود.

بر این مبنا، مستضعف در نقطه صفر قرار دارد و چیز مثبت و منفی کسب نکرده است و باید امر او را به خدا واگذار کرد.

همچنان که آیه بعد از آیه محل بحث: ﴿فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُرَ عَنْهُمْ﴾<sup>۲</sup> «امید است که خداوند آنها را مورد عفو قرار دهد.» و آیه ﴿وَأَخْرَجُوا مُزَجَّوْنَ لَأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۳</sup> «و گروهی دیگر به فرمان خدا واگذار شده‌اند که یا آنها را مجازات می‌کند و یا توبه آنان را

۱. بقره / ۲۸۶.

۲. نساء / ۹۹.

۳. توبه / ۱۰۶.

می‌پذیرد.» گویای همین نکته است و البته رحمت خداوند بر غضب او سبقت دارد.<sup>۱</sup>

بر اساس گفتار علامه طباطبایی، مستضعفان فکری و علمی، جاهلان قاصر (نه مقصر) و مرجون لأمر الله، عناوینی مترادف و یا متشابه می‌باشند.

با مراجعه به روایات نیز می‌توان از تعریف و ویژگیهای مستضعفان آگاه شد. این ویژگیها به طور خلاصه عبارت‌اند از:

- مستضعف نه راهی به سوی کفر دارد و نه راهی به سوی ایمان؛ نه توان کفر ورزیدن دارد و نه یارای مؤمن شدن.

- کودکان، مردان و زنانی که خردی همسان کودکان دارند، مستضعف‌اند و مؤاخذه نمی‌شوند.<sup>۲</sup>

- زنان و فرزندان شما که همسان شما [در معرفت به حقایق دینی] نیستند، مستضعف‌اند.

- «اُمّ امین» گرچه اهل بهشت است، اما معرفت او همانند شما (خطاب به یکی از اصحاب امام

باقر علیه السلام) نبود.<sup>۳</sup>

- کسی که حجت بر او اقامه نشده است، مستضعف است<sup>۴</sup> و کسی که از اختلاف آرای متفکران و مذاهب گوناگون آگاه است، مستضعف نیست.<sup>۵</sup>

- [گروهی از] مستضعفان نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند، در شکم و شهوت عفت می‌ورزند و حق را در غیر خود نمی‌بینند. آنان به شاخه‌ها آویخته‌اند [و به ریشه‌ها نچسبیده‌اند].<sup>۶</sup>

- مستضعفان انواع مختلف و درجات متفاوتی دارند که برخی مخالف برخی دیگرند.<sup>۷</sup>

- مسلمان مستضعف کسی است که به توحید معتقد است، به اسلام و پیامبر آن اقرار دارد، از دین خارج

۱. المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۵، صص ۵۱-۵۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۳. همان، ص ۴۰۵؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۱.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۶.

۵. همان، ص ۴۰۵.

۶. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶۱.

۷. همان، ص ۵۹.

نشده، با ائمه علیهم السلام دشمن نیست و حامی ظالمان در حق آنان نمی‌باشد، در خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شک دارد، شایستگان آن را نمی‌شناسد و از ولایت ائمه علیهم السلام آگاه نیست؛ اما مسلمانی که منکر و معاند و ناسزاگو [نسبت به امامان علیهم السلام] است، در هلاکت خواهد بود.<sup>۱</sup>

#### نتیجه

از مجموع آیات، روایات و گفتار فقها و متکلمان و مفسران می‌توان دریافت که مستضعف کسی است که به دلایلی خارج از اختیار و اراده خود و بدون تقصیر و کوتاهی یا در بُعد معرفتی از فهم کل دین یا بخشی از آن عاجز و ناتوان است و یا در بُعد عملی از عمل و اجرای معارف دینی عاجز. مستضعفان دارای انواع، مراتب و گروه‌های متفاوتی هستند.

#### وضع مستضعفان در قیامت

اکنون پس از آشنایی با تعریف و ویژگی‌های مستضعفان، نوبت به آن می‌رسد که از وضعیت آنان در قیامت آگاه شویم. چنانکه گذشت، بر اساس آیه ۹۹ سوره نساء، امید می‌رود که

آنان مشمول عفو و رحمت الهی قرار گیرند:

بر اساس قاعده «سبقت رحمت خداوند بر غضب او» نیز احتمال مورد رحمت قرار گرفتن آنان تقویت می‌شود.

با مراجعه به روایات نیز احتمال ورود مستضعفان به بهشت بیشتر می‌شود؛ چرا که برخی از روایات تلویحاً و برخی دیگر تصریحاً، بر بهشتی بودن مستضعفان دلالت دارند؛ البته مشروط بر آنکه در حد امکان و وسع خود از اعمال حرام خودداری کرده و به انجام اعمال صالح پرداخته باشند. بخشی از این روایات از این قرار است:

امام صادق علیه السلام: «کسی که اهل روزه و نماز است و از محرّمات خودداری کرده و تقوا پیشه نموده است، اما [ولایت اهل بیت علیهم السلام] را نمی‌داند و [اهل بیت علیهم السلام] را نمی‌رنجاند، خداوند چنین فردی را با رحمت خود داخل بهشت

۱. همان، ص ۱۷۱.



می‌گرداند،<sup>۱</sup> اما در عین حال رهروان غیر راه خود را یکسره اهل عذاب و هلاکت نمی‌بیند؛ بلکه بین معاندان و عالمان کینه‌توز و جاهلان غیر کینه‌توز، تفاوت قائل است. این روایت، تأیید مناسبی بر بطلان پلورالیسم معرفتی و پذیرش مشروط پلورالیسم نجات است.

### سخن آخر

از مجموع آیات و روایات می‌توان چنین استنتاج کرد که گرچه مستضعفان استحقاق ذاتی بهشت را ندارند و تعیین قطعی وضعیت آنان به خداوند واگذار شده است، اما لحن و سیاق آیات و روایات، ورود آنان را به بهشت و برخوردارگی از نعمتهای بهشتی تقویت می‌کند؛ هر چند مقام آنان در بهشت، به رتبه انبیا، صالحان، شهدا، صدیقین، مؤمنان و ابرار نمی‌رسد و در درجات پایین بهشت جای می‌گیرند.

در پایان یادآور می‌شویم وضعیت سایر گمراهان در قیامت نیز

امام علی علیه السلام در پاسخ اشعث بن قیس که خطاب به آن حضرت می‌گوید: «اگر آنچه تو می‌گویی حق است، پس همه مسلمانان غیر از تو و پیروانت، هلاک خواهند شد.» می‌فرماید: «قسم به خدا که حق با من است؛ آن چنان که می‌گویم. و از امت مسلمان جز ناصبان و منکران و معاندان [در حق ما اهل بیت] هلاک نخواهند شد.

اما کسی که متمسک به توحید و اقرار کننده به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است و از دین اسلام خارج نشده (مرتد نیست) و پشتیبان و حامی ظلم کنندگان بر ما نیست و با ما سر دشمنی ندارد و در خلافت شک کرده و اهل شایسته آن را نمی‌شناسد و به ولایت ما معرفت ندارد، چنین فردی مسلمان مستضعف است که [از سویی] امید است مشمول رحمت خداوند قرار گیرد و [از سوی دیگر] بر گناهان او جای ترس و نگرانی وجود دارد.<sup>۲</sup>

بر اساس این روایت، علی علیه السلام گرچه حق را منحصر در راه خود

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۷۱.

اکنون با توجه به مطالب گذشته، می‌توان مسیر فیلسوفان مسلمان را به رسیدن به پلورالیسم نجات را به شکل زیر ترسیم کرد:

کثرت طولی و عرضی معارف بشری ← انحصار راه مستقیم در اسلام نجات ← مستضعفانی که اهل عناد نیستند.

با توجه به همین مدل است که راه برای پلورالیسم اجتماعی و مدارا با غیر مسلمانان در صحنه زندگی اجتماعی باز می‌شود. البته پذیرش پلورالیسم اجتماعی مشروط به شرایطی است که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

اکنون با توجه به مطالبی که از نظر گذشت، می‌توان از سه فرضیه مطرح شده در ابتدای بحث<sup>۲</sup>، فرضیه «پذیرش مشروط پلورالیسم نجات» را مورد تأیید و قبول یافت.

علاوه بر دو گروه «مؤمن و کافر» گروه‌های چهارگانه دیگری با عنوان «مستضعفان»، مُرَجُون لامرالله، کسانی که عمل نیک و بد را به هم آمیخته‌اند و اصحاب اعراف وجود دارند که این چهار دسته از نظر وضعیت اخروی، دارای منزلتی بین ایمان و کفر هستند.

(مانند مرجون لأمر الله، بُلّه، اصحاب اعراف و...) وضعیتی مشابه با مستضعفان است که برای رعایت اختصار از تفصیل آن خودداری می‌کنیم.

۱. ر.ک: پلورالیسم فرهنگی در اندیشه اسلامی، به قلم نگارنده، مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۴۴ و ۴۵ و ۴۶.

۲. که در شماره پیشین مجله ارائه گردید.